

# B

روایت‌های از خاک بر خاسته انقلاب

فرد هالیدی، لیلیا فغفوری آذر - شاهین نصیری



فرد هالیدی (۲۰۱۰-۱۹۴۶)، روشنفکر و شرق‌شناس ایرلندی است که در تمام طول دوران زندگی آکادمیک خود به‌طور تخصصی به مسائل ایران پرداخت و کتاب‌ها و مقالات زیادی در همین زمینه منتشر کرد. او تا زمان بازنشستگی استاد مدرسه اقتصاد لندن بود.

... هدف از جمع‌آوری، ترجمه و انتشار گفتگوهای حاضر در این کتاب، نمایش و به اشتراک گذاشتن یکی از پاره‌های مدفون شده کوزه انقلاب ایران از مجرای مصاحبه‌هایی است که با برخی بازیگران اصلی آن انقلاب انجام شده است. این گفتگوها را فرد هالیدی (۲۰۱۰-۱۹۴۶)، روشنفکر و شرق‌شناس ایرلندی، حدود سه سال پس از وقوع انقلاب با رهبران سیاسی از طیف‌های گوناگون انجام داد. اغلب این گفتگوها، مطالبات و نگرش نیروهای سیاسی مخالف با حکومت تازه تثبیت‌شده ولایت فقیه را بازتاب می‌دهند. هالیدی این مجموعه گفتگوها را در چارچوب پروژه اطلاعات و تحقیقات خاورمیانه انجام داد که اغلب آنها در شماره‌های گوناگون مجله مرپ ریپورتز MERIP Reports منتشر شده‌اند.

برگرفته از دیباچه گردآورندگان و مترجمان

## گفتگو با کنشگران و رهبران سیاسی ایران روایت‌های از خاک بر خاسته انقلاب

فرد هالیدی

ترجمه و تألیف: لیلیا فغفوری آذر - شاهین نصیری

# B

# B

www.baran.se

## میان دو موج زندگی می‌کنیم گفتگو با شکرالله پاک‌نژاد



شکرالله پاک‌نژاد، در حال خواندن دفاعیات خود در دادگاه نظامی شاه (۱۳۴۸)

شکرالله پاک‌نژاد در سال ۱۳۲۰ در شهر دزفول به دنیا آمد. او در سال ۱۳۳۹ برای تحصیل در رشته حقوق به تهران رفت و در سازمان دانشجویان دانشگاه تهران که یکی از گروه‌های وابسته به جبهه ملی بود، به فعالیت سیاسی پرداخت (هالیدی، ۱۹۸۲). فعالیت‌های پاک‌نژاد علیه حکومت شاه باعث دستگیری و بازداشت او شد. چند سال بعد به همراه همفکرانش اقدام به پایه‌ریزی گروهی چریکی با گرایش‌های مارکسیستی کرد؛ گروهی که بعدتر به «گروه فلسطین» شهرت یافت. در سال ۱۳۴۸ در مسیر یک سفر مخفی به خارج از ایران با هدف کسب آموزش‌های نظامی از سوی ساواک دستگیر و زندانی شد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۴۹/۱۰/۸؛ سهرابی، ۲۰۱۹). او در زندان با رهبران مجاهدین و چریک‌های فدایی از جمله مسعود رجوی و بیژن جزنی رابطه‌ای نزدیک داشت (هالیدی، ۱۹۸۲). پاک‌نژاد در زندان به‌طور مداوم توسط ساواک شکنجه شد

و از سوی دادگاه نظامی به حبس ابد با اعمال شاقه محکوم شد (پاک‌نژاد، ۱۳۵۶، ۶۵؛ سهرابی، ۲۰۱۹). دفاعیات او در دادگاه نظامی توجهات بسیار زیادی را در سطح بین‌المللی جلب کرد (پاک‌نژاد، ۱۳۵۶، ۶۸-۷۵؛ هالیدی، ۱۹۸۲).

پاک‌نژاد در روزهای پایانی حکومت سلطنتی از زندان آزاد شد. او در مدتی کوتاه، تلاش‌های زیادی برای ایجاد یک ائتلاف سیاسی از عناصر سوسیالیستی که نگرانی‌های مشترکی درباره نیات و انگیزه‌های حکومت جدید داشتند انجام داد (متین دفتری، ۱۹۸۴). این تلاش‌ها به بنیان‌گذاری جبههٔ دموکراتیک ملی در اسفند ۱۳۵۷ انجامید. جبههٔ دموکراتیک ملی رویکرد انتقادی‌تری در مقایسه با دیگر گروه‌های چپ نسبت به جمهوری اسلامی در پیش گرفت (هزارخانی، ۱۹۸۴). این جبهه، گروه چپ‌گرایی بود که در مرداد ۱۳۵۸ به‌طور علنی به سانسور مطبوعات و تعطیلی روزنامهٔ «آیندگان» اعتراض کرد؛ اقدامی که منجر به سرکوب جبهه و مخفی شدن پاک‌نژاد شد (هالیدی، ۱۹۸۲). پاک‌نژاد از شرکت در همه‌پرسی جمهوری اسلامی خودداری کرد و برای دفاع از حقوق زنان و ملیت‌ها فراخوان داد. او به همراه دیگر اعضای جبههٔ دموکراتیک ملی به انتشار روزنامهٔ «جبهه» پرداخت و به تلاش برای اتحاد تمام نیروهای اپوزیسیون در برابر جمهوری اسلامی ادامه داد. پاک‌نژاد که هالیدی او را «یکی از پیشروترین و دوراندیش‌ترین سوسیالیست‌های مدرن ایرانی» می‌دانست، در ۲۸ آذر ۱۳۶۰ در زندان اوین و بدون برگزاری محاکمهٔ رسمی تیرباران شد (هالیدی، ۱۹۸۲؛ نیویورک تایمز، ۱۹۸۲/۱/۶).

مصاحبهٔ پیش رو با پاک‌نژاد در مردادماه ۱۳۵۸، چند ساعت قبل از تظاهرات علیه سانسور مطبوعات که جبههٔ دموکراتیک ملی را به فعالیت‌های زیرزمینی کشاند، انجام شد.

**سرچشمه‌های جریان سوسیالیست مستقل که شما در دههٔ ۴۰ در آن مشارکت داشتید چه بودند؟**  
چپ مستقل نوین که در دههٔ ۴۰ ظهور کرد، بازتاب‌دهندهٔ بن‌بست نیروهای سنتی اپوزیسیون درون

ایران (حزب توده و جبهه ملی) و از بین رفتن امید نسبت به شوروی و چین بود. این بن‌بست و دشمنی با شوروی در ابتدا به شکل‌گیری حمایت‌هایی از چین دامن زد که طی آن سازمان انقلابی از حزب توده جدا شد و از چین حمایت کرد.<sup>۱</sup> اما مردم زود دیدند که چین چه کارهایی کرد؛ از لاس‌زدن با آمریکا گرفته تا به‌کارگیری رویکردی ملی‌گرایانه در انقلاب فرهنگی و همین‌طور اتخاذ مواضعی علیه جنبش ضد امپریالیستی. ما این را هم می‌دانستیم که به‌کارگیری نظریه مبارزات چین که کشوری نیمه‌فئودالی و نیمه‌استعماری بود در کشور ما عملی نیست. مردم خواهان یک خط ایرانی مستقل بودند و نزاع میان چین و شوروی و درک واقعی جایگاه چین به شکل‌گیری این خط مستقل کمک کرد. بعد از آن جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل پیش آمد که تأثیر بزرگی روی نسل ما گذاشت. ظهور جنبش فلسطین وضعیت کلی را در ایران تغییر داد. بعد از آن مسئله ما دیگر جستجو و پیدا کردن یک مدل خارجی برای مبارزات در ایران نبود، بلکه ما در پی کسب حمایت و یافتن پایگاهی مستقل از رهبران مذهبی بودیم. مبارزه فلسطین هم یک مبنای نظری که برای ایران کاربردی باشد ارائه می‌کرد و هم منابعی برای حمایت‌های عینی و مادی. جنبش درون ایران احساس می‌کرد که شهدای فلسطین شهدای خودش است. این قضیه باعث برانگیختن احساسات زیادی شد و این احساسات مخصوصاً از این ناشی می‌شد که مردم احساس می‌کردند در جریان کودتای ۱۳۳۲ کمونیست‌ها قهرمانانه رفتار نکرده و به جای آن وا داده بودند.

### زمان آغاز طراحی اقدامات چریکی با چه کسانی

۱ سازمان انقلابی حزب توده ایران، گروهی از اعضای جوان حزب توده با گرایشات مائوسیتی را در بر می‌گرفت که به دنبال مخالفت با سیاست‌های حزب در دهه ۴۰، منشعب شده بودند.

### همکاری می‌کردید؟

ما همگی در اصل از جبهه ملی بودیم و همدیگر را از دوران جنبش اوایل دهه ۴۰ می‌شناختیم. من، بیژن جزنی<sup>۲</sup> و مسعود احمدزاده<sup>۳</sup> را می‌شناختم. ما با گروه دیگری از ایرانی‌ها که با فلسطینی‌ها کار می‌کردند و همین‌طور با چریک‌هایی که در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ به ایستگاه پلیس در سیاهکل حمله کردند، تماس داشتیم. من سعی کردم برای آموزش گرفتن از کشور خارج شوم، اما ۲۰۰ متر بعد از مرز در نزدیکی شط‌العرب دستگیر شدم. یکی از افرادی که دستگیر شده بود زیر شکنجه حرف زد و این منتهی به دستگیری‌های بعدی شد. با این حال چند نفر از افراد ما توانستند فرار کنند. بعد از آن برخی از افراد برای کار کردن به رادیو بغداد که برای ایران برنامه پخش می‌کرد رفتند، برخی دیگر به ایران بازگشتند و دستگیر شدند و برخی هم برای جنگ با چریک‌ها به ظفار رفتند.<sup>۴</sup>

### شرایط زندان در زمان شاه چگونه بود؟

من معمولاً در تابستان به زندان بندرعباس در جنوب ایران و در زمستان به زندان‌های شمال تهران یا قزل‌قلعه فرستاده می‌شدم و قبل و بعد از محاکمه‌ام شکنجه می‌شدم. آنها تلاش می‌کردند وادارم کنند تا بگویم اشتباه کرده‌ام، شاه فرد خوبی است و اینکه من یک کمونیست نیستم. اما من این امتیاز را داشتم که پرونده‌ام شناخته شده بود. آنهایی که اسامی‌شان برای جهان ناشناخته

۲ بیژن جزنی، نظریه‌پرداز سیاسی و یکی از بنیان‌گذاران سازمان چریک‌های فدایی خلق، در سال ۱۳۵۴ در زندان اوین به قتل رسید.  
 ۳ مسعود احمدزاده، نظریه‌پرداز سیاسی و یکی از بنیان‌گذاران سازمان چریک‌های فدایی خلق، در دادگاه نظامی شاه به اعدام محکوم و در اسفند ۱۳۵۰ تیرباران شد.

۴ جبهه آزادی‌بخش ظفار، گروه سیاسی چپ‌گرا، در دهه ۶۰ میلادی برای سرنگونی نظام سلطنتی در عمان شکل گرفت.

بود بیشتر از من شکنجه می‌شدند و بسیاری از آنها سعی کردند خودشان را بکشند. به یاد دارم مرد جوانی را آوردند که پاهایش می‌لرزید. او به قصد خودکشی تلاش کرده بود که خود را از پنجره به بیرون پرت کند اما فقط ستون فقراتش آسیب دیده بود. من کتاب «دوزخ» دانتیه را خوانده‌ام و نیروی نوشته کتیبه‌ای را که بر سر دروازه‌های جهنم بود، احساس کرده‌ام: «همه کسانی که به اینجا وارد می‌شوید، امید را رها کنید». تا سال ۱۳۵۶ هیچ تماسی با دنیای خارج نداشتیم.

از اواسط سال ۱۳۵۲ برای هشت ماه در سلول انفرادی بودم و خیلی بعدتر از آن شنیدم که در اکتبر ۱۹۷۳ جنگی میان اعراب و اسرائیل درگرفته بود. چندی بعد آنها اجازه دادند که صلیب سرخ وارد زندان شود، زمین زندان را فرش کردند و به ما اجازه دادند تا به صورت کمابیش آزاد با نمایندگان صلیب سرخ گفتگو کنیم. ما همچنین توانستیم کتاب‌هایی برای خواندن دریافت کنیم. به یکی از نگهبانان زندان ۲۰ هزار ریال رشوه دادیم تا یک نسخه از کتاب «اعراب بدون سلاطین» را برای ما بیاورد.<sup>۵</sup>

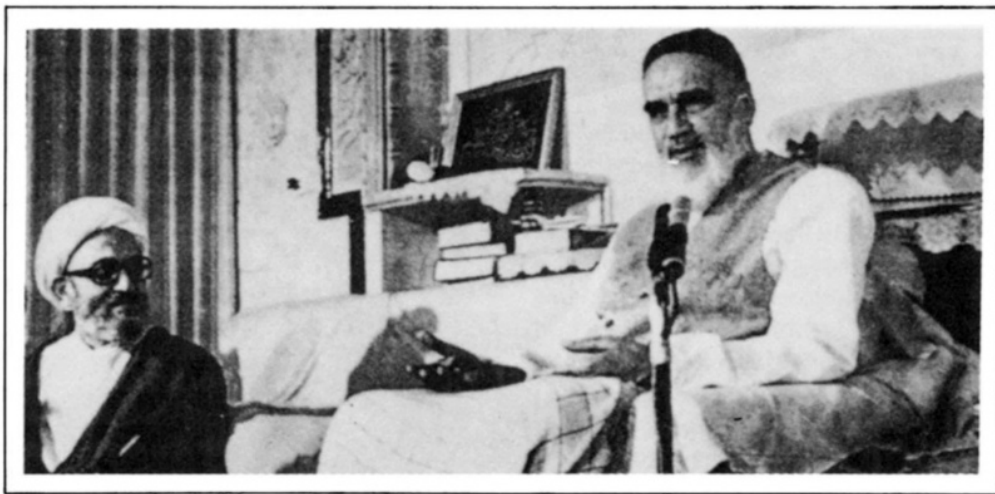
پس از آزادی از زندان، مجدداً فعالیت سیاسی را آغاز کردید. شرایط کنونی ایران را چطور ارزیابی می‌کنید؟

در این انقلاب یک جریان مداوم را می‌توان مشاهده کرد. ما در میان دو موج زندگی می‌کنیم و همه چیز در آینده تغییر خواهد کرد. اگر ملاها تبدیل به طبقه حاکم شوند، مردم از آنها روی برمی‌گردانند که این روند هم‌اینک آغاز شده است. مردم نسبت به گذشته کمتر از مذهب حمایت می‌کنند. یک هفته بعد از آنکه از زندان بیرون آمدم کسی از من پرسید که آیا از ایده جمهوری اسلامی دفاع کرده‌ام

---

5 Halliday, F. (2013). Arabia Without Sultans. New York: Saqi. (First published in 1974)

و من پاسخ دادم نه. اگر این جمهوری می‌توانست مترقی باشد، آن را می‌پذیرفتم. اکنون ما می‌بینیم جریان خرده بورژوازی که از انقلاب حمایت کرده و با شاه جنگیده بود، در حال از هم گسیختگی است و به چپ متمایل شده است. آنها تلاش دارند ما را به نزاع بکشانند اما ما باید از رودررو شدن خودداری کنیم. جریان راست به سرعت پیش رفته و مهم‌ترین خطری که در برابر ماست نه از سوی ارتش بلکه از سوی گروه‌های فالانژ دست‌راستی است. اگر بتوانیم چند ماه آینده را دوام بیاوریم، ممکن است بتوانیم با دیگر نیروهای دموکراتیک به‌ویژه ملیت‌ها متحد شویم. با این حال امیدمان بیشتر به از هم گسیختگی راست است تا اتحاد چپ.



محمد رضا مهدوی کنی که به تازگی به مقام نخست وزیری رسیده، در کنار روح الله خمینی (سپتامبر ۱۹۸۱)